



لزوم تغییرات بنیادین در اقتصاد جهانی:

فرصتی برای اقتصادهای کوچک اما پیشرو^۱

نویسنده: راس جکسون*

مقدمه مترجم

امروزه در مباحث اقتصادی به اصطلاحاتی بر می‌خوریم، مثل «تجارت آزاد» و «سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سرمایه»، که با آنچه هستند فاصله بسیار دارند. راس جکسون، ضمن اشاره به اجزای کلیدی اقتصاد جهانی که نیاز به تغییر دارد، از برخی از این واژه‌های غلط‌انداز پرده بر می‌دارد. آگاهی از معانی واقعی این واژه‌ها، از ملزومات کسب آگاهی از چگونگی کارکرد اقتصاد جهانی و پیامدهای زیانبار آن برای دولت‌ها و ملت‌ها و نیز چگونگی تلاش برای ایجاد تغییرات لازم است. نویسنده بحران‌های کنونی اقتصاد جهانی را فرصتی بی‌سابقه برای کشورهایی می‌داند که قادرند با بیرون کشیدن از عضویت در سازمان تجارت جهانی، ابتکار عمل را به دست گیرند و همکاری یکدیگر اقتصادی برای خود بسازند که هم نسبت به تلاطمات اقتصاد نئولیبرالی جهانی مقاوم است و هم الگویی جایگزین برای نظام فعلی که در آینده مکرراً در معرض بحران‌های بیشتر خواهد بود به وجود خواهد آورد.

www.eabbassi.ir

بحران اقتصاد جهانی ۲۰۰۹-۲۰۰۷ را برخی از اقتصاددانان به نفس‌های آخر مدل اقتصادی نئولیبرالی که توسط رونالد رگان و مارگارت تاچر در دهه ۱۹۸۰ میلادی معرفی کردند می‌دانند. لیست اقتصاددانانی که بر این باورند حتی نخبگانی چون فرانسیس فوکویاما^[۱] را هم شامل می‌شود، شخصی که ۲۰ سال پیشتر مدل نئولیبرالی بازار آزاد را به عنوان آخرین مدل در نوع خود در تاریخ بشر اعلام کرده بود به این معنی که مدل دیگری تا ابد جایگزین آن نخواهد شد. (ناگفته نماند که او زمانی به سوی مدل برنامه‌ریزی متمرکز اتحاد جماهیر شوروی نیز تمایل داشت که آن هم چند سال بعد فروپاشید.) خیلی از صاحب‌نظران، در رویارویی با احتمال قریب الوقوع بحران‌های دیگری در عرصه اقتصاد جهانی، طالب یک راه حل سوم، یا یک نظام اقتصادی جدید یا یک پیمان برتون وودز^۲ دیگر اند.

^۱ این نوشته ترجمه مقاله زیر است.

Ross Jackson. 2010. Shifting the global economy. In *Gaia Economics: Living Well Within Planetary Limits*, edited by Jonathan Dawson, Ross Jackson, and Helena Norberg-Hodge. Hampshire, UK: Permanent Publications.

^۲ Bretton Woods نام همایش و پیمانی است که به رهبری آمریکا، نظام اقتصادی دنیای پس از جنگ جهانی دوم را ساماندهی

نوشته زیر، چندی از اجزای کلیدی نظام فعلی اقتصاد جهانی و اصلاحاتی که به آن نیاز مبرم دارد را به طور اختصار توضیح می دهد. ایجاد این تغییرات، نه تنها عملکرد اقتصاد جهانی را بهینه تر می کند، بلکه توانایی های لازم برای حفاظت از محیط زیست و طبیعت و نیز برای بسترسازی مساعد برای دستیابی به قوام بیشتر در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای جوامع مختلف دنیا را به وجود می آورد.

مقابله با جابجایی لجام گسیخته سرمایه

یکی از دلایل اصلی عدم ثبات در اقتصاد جهانی در حال حاضر، جابجایی سرمایه بدون هیچ کنترل، از یک کشور به کشور دیگر است. این درجه از سهولت برای جابجایی سرمایه از این جهت در نظام نئولیبرالیستی کنونی مطلوب است که سرمایه داران بزرگ می خواهند که در اسرع وقت بتوانند سرمایه خود را از یک کشور خارج کنند و در کشور دیگری که بازار بورس یا ارز آن احتمالاً سوددهی بیشتری دارد سرمایه گذاری کنند.

شاید در نگاه اول این مسئله خاصی به نظر نیاید، اما در واقع حجم پول جابجا شده به قدری بالاست که گاه برخی از بازارهای نسبتاً کوچکی که این پول ها در آنها سرمایه گذاری می شود تاب شکی که بیرون کشیدن این سرمایه ها به وجود می آورد را ندارند و سقوط می کنند. تا کنون چند بورس جهان قربانی این عملکرد سرمایه های خارجی شده اند. مثلاً بورس روسیه، به همین دلیل در پاییز سال ۲۰۰۸ بالاجبار مدتی تعطیل شد. همچنین در سال های پایانی دهه ۱۹۹۰ چند بازار ارز در کشورهای آسیایی دچار سقوط شدند. در همان سال ها باید اقداماتی برای ایجاد کنترل های لازم در برابر جابجایی بی قید و شرط سرمایه به منظور حفاظت از این بازارها صورت می گرفت، اما در آن زمان مقاومت شدید در برابر هر گونه اصلاحات اینچنینی از سوی طرفداران قدرتمند اقتصاد نئولیبرالی و مداخله صندوق بین المللی پول، مانع انجام چنین اصلاحاتی شد.

کرد. به موجب همین پیمان بود که سازمان هایی چون بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و بعداً سازمان تجارت جهانی به وجود آمدند.

تا قبل از دهه ۱۹۸۰، جابجایی سرمایه بین کشورها تا این حد متداول نبود. منتقدین این عملکرد خاطر نشان کرده اند که مطلقاً هیچ شواهدی، چه در تئوری و چه در عمل، وجود ندارد که این انتقال بی رویه سرمایه های مالی کسی غیر از بورس بازان بزرگ دنیا را ثروتمند تر کرده باشد. اقتصاددان ارشد اسبق بانک جهانی، «جوزف استیگلیتز»، در حمایت خود از برقراری مقررات بازدارنده در کشورها، می نویسد که شواهد موجود نشان نمی دهد که اینگونه سرمایه گذاری های خارجی نفعی برای رشد اقتصادی در کشورهایی که این سرمایه ها را دریافت می کنند داشته است.^[۲] علاوه بر این، ماده مصوبه شماره ۶ صندوق بین المللی پول به کشورهای عضو اجازه می دهد که کنترل های لازم برای نظارت بر جابجایی بین المللی سرمایه را بنا بر صلاحدید خود اعمال کنند.

اقتصاددانان موافق با مدل نئولیبرالی بر این اعتقادند که هر گونه کنترل جابجایی بین المللی سرمایه موجب کندی تجارت بین المللی می شود. اما این افسانه نادرست و بی رحمانه ای بیش نیست. در واقع، تجارت بین المللی در سال های ۱۹۸۰-۱۹۴۵ شاهد رشد بیشتری بود تا در دوره بعد از استقرار سیاست های بازار آزاد نئولیبرالی در دهه ۱۹۸۰.

www.eabbassi.ir

کدامیک، تجارت آزاد یا سیاست های حمایتی؟

«تجارت آزاد»^۳ اصطلاحی غلط انداز است که برای اشاره به راهبردی اقتصادی که بهره کشی کشورهای قوی از کشورهای ضعیف را موجه می داند استفاده می شود. درست در مقابل تجارت آزاد، «سیاست های حمایتی»^۴ از تولیدات داخلی را داریم که در عرضه تجارت بین المللی، ضعیف را در برابر قوی محافظت می کند. اصطلاحی بهتر و واقعی تر برای اشاره به آنچه هم اکنون «تجارت آزاد» آزاد خوانده می شود، «تجارت اجباری» است. وقتی کشوری به عضویت سازمان تجارت جهانی، که در سال ۱۹۹۵ به وجود آمد، قرار بگیرد قادر نخواهد بود که به اختیار خود کالایی را وارد نکند.

در تایید برتری «سیاست های حمایتی»، تاریخ توسعه کشورها نشان می دهد که هیچ کشوری پس از پذیرفتن سیاست تجارت آزاد قادر نبوده که واقعا صنعتی شود. کما اینکه تمامی

³ Free trade

⁴ Protectionism

کشورهای صنعتی جهان در آغاز توسعه خود از سیاست های حمایتی استفاده کرده اند تا از صنایع نوپای خود در برابر واردات محصولات مشابه حفاظت کنند. و برای این قاعده هیچ استثنایی یافت نمی شود. چین اخیرترین مصداق این مدعاست. و قوی ترین اقتصادهای امروز جهان، مشخصاً آمریکا و اتحادیه اروپا، اگر چه در کلام از منافع تجارت آزاد برای دیگر کشورها دفاع می کنند اما هرگاه که به نفعشان باشد خود از سیاست های حمایتی استفاده می کنند، که البته نهایت تزویر و دورویی است. برای مثال، در سال ۲۰۰۳ رییس جمهور آمریکا بوش تعرفه هایی برای واردات فولاد وضع کرد تا صنعت فولاد داخلی را حمایت کرده باشد، کاری که آشکارا با مقررات سازمان تجارت جهانی در تعارض بود.

یکی از باورهای به غایت بی اساس اقتصاد نئولیبرالی این است که حمایت از صنایع داخلی موجب کندی رشد می شود. به گفته «پل پیراک»^۵، تاریخشناس امور اقتصادی، «به سختی می توان مورد دیگری در تاریخ پیدا کرد که در آن واقعیت ها تا این اندازه با آنچه کارشناسان می گویند مغایرت داشته باشد.» [۳] باید پذیرفت که نئولیبرالیست ها در باوراندن جعلیات تاریخی خود به جهانیان بسیار زیرکانه عمل کرده اند. البته در این راستا، تسلط رسانه ای آنها نقشی بسیار مؤثر داشته است.

www.eabbassi.ir

شناخت کامل انواع سیاست های حمایتی، کلید هر گونه اصلاحات برای تغییر وضع موجود در خصوص تجارت آزاد است. برخی از سیاست های حمایتی که از صنایع انحصاری و غیر اقتصادی محلی حمایت می کنند اثری منفی دارند و مطلوب نیستند. اما اکثر سیاست های حمایتی مثل آندسته از سیاست ها که جهت حفاظت از محیط زیست و یا مواردی که به امنیت ملی مربوط می شود، مثل امنیت و ایمنی غذایی، بسیار ضروری اند.

مقررات سازمان تجارت جهانی که از «تجارت اجباری» و بهره کشی غنی از ضعیف حمایت می کند، اتخاذ هر گونه سیاست حمایتی را از سوی کشورهای عضو ممنوع کرده است. آنچه از قبل قابل پیش بینی بود این است که این مقررات به بهره کشی تجاوزگرایانه شرکت های بزرگ از سرمایه های طبیعی دنیا، انجامیده است. (قابل توجه اینکه به این بهره کشی

⁵ Paul Bairoch

غیرعقلانی از منابع طبیعی، با اصطلاح غلط انداز دیگری به نام «رشد» اشاره می کنند.^۶ تحت مقررات سازمان تجارت جهانی هیچ کشوری حق محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست خود را ندارد: اگر کشوری صنایع خود را به استفاده از روش های سبز و بی خطر برای محیط زیست وادار کند، احتمالاً محصولات این صنایع قادر به رقابت (از نظر قیمت) با محصولات مشابه وارداتی نیستند. از سوی دیگر، به علت مقررات سازمان تجارت جهانی آن کشور قادر به وضع تعرفه برای محدود کردن محصولات وارداتی که در ساخت آنها از استانداردهای زیست محیطی تبعیت نشده است.

چندین پژوهش در مورد تحولات اقتصادی یک ربع قرن اخیر نشان می دهد که پیامدهای تبعیت از تجارت آزاد نتایج نامطلوبی در بر داشته است: یکی اینکه شکاف بین دارا و ندار را بیشتر کرده است و دوم اینکه تخریب طبیعت را تسریع کرده است. [برای مثال نگاه کنید به منبع ۴] بی شک ادامه این سیاست ها به بحران های اجتناب ناپذیر دیگری در آینده منجر خواهد شد. این بحران ها زمانی قد علم می کنند که اختلاف درآمدها در جوامع دیگر قابل تحمل نباشد و یا اینکه فشارهای زیست محیطی موجب فروپاشی سامانه های حیاتبخش زمین و بروز بلایای ویرانگر طبیعی بیشتری گردد.

www.eabbassi.ir

حافظت از محیط زیست

برای آغاز تلاشی فراگیر برای حافظت از محیط زیست می باید ساز و کاری به وجود آید که به شرکت های بزرگ انگیزه دهد که به نوآوری و تولید خود ادامه دهند اما به جای صدمه زدن به محیط زیست از آن حافظت کنند. اما اصلاحاتی از این دست دقیقاً قلب مسئله اقتصاد جهانی را هدف قرار می دهد و بدون شک با مخالفت های زیادی از سوی اقتصادهای قدرتمند جهان روبرو خواهد شد. برای دستیابی به این تغییر بزرگ ما نظام تجاری جدیدی که جایگزین سازمان تجارت جهانی شود نیازمندیم. آمریکا و اتحادیه اروپا مسلماً زیر بار چنین راه حلی نخواهند رفت. حتی کشورهای بزرگ در حال توسعه نیز آمادگی مشارکت در چنین ساز و کار جدیدی را ندارند.

^۶ برای اطلاع بیشتر در مورد فریب «نظریه رشد» به مقالات «رشد پایدار: نظریه ای ناممکن» و «رشد، وام و بانک جهانی» نگاه کنید. مترجم

www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_misldcongrowthDaly.pdf

www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_growthdebtwbDaly.pdf

اما برای کشورهای کوچکتر، وضعیت موجود فرصتی عظیم و بی سابقه به وجود آورده است. این کشورها می توانند از طریق همکاری و هماهنگی های لازم رهبری اقتصاد نوین دنیا را به دست گیرند. این کشورها می توانند بر سر نظامی جدید و عادلانه برای تجارت و حکمرانی جهانی به عنوان الگویی جایگزین برای نظام فعلی توافق کنند. دو ویژگی زیر این نظام جدید را برای کشورهای دیگر جذاب خواهد کرد:

۱. شرکت های بزرگ می توانند به نوآوری های خود ادامه دهند اما در چارچوبی که محیط زیست آسیب نبیند، و

۲. تجارت بین کشورهای عضو آزاد است اما در چارچوبی که هیچ کشوری مجبور به گذشتن از حق مدیریت اقتصاد ملی و اولویت های سیاسی خود نیست.

این الگوی جدید برای تجارت بین المللی باید شامل مقرراتی باشد که به موجب آن قیمت کالاها شامل هزینه های زیست محیطی باشد. به این معنی که تولید کنندگان برای آزاد کردن گازهای گلخانه ای ناشی از سوزاندن سوخت های فسیلی ملزم به گرفتن مجوز و پرداخت عوارض به دولت خواهند بود که قاعدتا بر قیمت تمام شده محصولات تاثیر خواهد گذاشت. در این الگوی جدید همچنین دولت های عضو اجازه خواهند داشت که در صورتی که کالاهای وارداتی فاقد استانداردهای زیست محیطی داخلی باشد با وضع تعرفه بر روی کالاهای غیر استاندارد وارداتی، از کالاهای تولیدی زیست محیطی داخلی خود حمایت کنند. در نظام جدید، دولت ها (و نه شرکت های بزرگ صاحب نفوذ و قدرتمند جهان) تصمیم می گیرند که چه کالاهایی باید به مغازه ها و به دست مصرف کننده برسد. و همچنین تمام کشورهای عضو از حق خود طبق ماده ۶ مقررات صندوق بین المللی پول به منظور اعمال کنترل لازم بر جابجایی بی رویه سرمایه ها از مرزهای خود استفاده می کنند. اعضای موسس این الگوی جدید همچنین بر روی ساز و کاری عادلانه تر برای حکمرانی جهانی موافقت می کنند به نحوی که منافع تمامی اعضا در نظر گرفته شود و نه منافع فقط چند عضو قدرتمند.

این الگوی جدید نه سرمایه داری لجام گسیخته است و نه برنامه ریزی متمرکز (نظیر آنچه در بلوک شرق سابق وجود داشت)، بلکه مدلی جایگزین است که به شرکت های بزرگ اجازه

حداکثر نوآوری را می دهد، اما فقط در چارچوب عقلانیِ محافظت از سرمایه های طبیعی کره زمین و حفاظت از ساختارهای اجتماعی کشورهای عضو. چارچوبی که تنوع و گوناگونی فرهنگی در میان کشورها را با ارزش می داند و اصل استقلال دولت ها در چگونگی سیاستگذاری در حوزه اقتصادی و فرهنگی کشور خود، فارغ از فشارهای خارجی، را محترم می شمارد.

کشورهای پیشرو که حاضر به ایجاد این الگوی تجاری جدید باشند باید بتوانند با لغو عضویت خود در سازمان تجارت جهانی، سازمانی جایگزین را پایه گذاری کرده و به تدریج به دعوت از دیگر کشورها برای پیوستن به آن اقدام کنند. فرصت رشد و بالندگی برای چنین سازمانی بسیار خوب است، چرا که بحران اقتصادی بعدی که بر اساس شواهد کنونی و سوابق تاریخی امری قطعی است، انگیزه لازم برای پیوستن کشورهای دیگر به این سازمان را بیشتر خواهد ساخت.

نتیجه گیری

www.eabbassi.ir

تجربه جامعه جهانی با تجارت آزاد به مدت یک ربع قرن، چپاول سرمایه های طبیعی جهان به دست شرکت های بزرگ و جابجایی بی قاعده سرمایه های مالی بین کشورها، نشان داده است که نظام نئولیبرالی فقط به غنی شدن طبقه ثروتمند دنیا می اندیشد و در مجموع شرایطی آسیب پذیر و غیرقابل قبول در اقتصاد تمامی کشورهای دنیا به وجود آورده است. تهدید تلاطماتی که ما در بازارهای مالی دنیا شاهد بوده ایم که به تبع اقتصاد تمامی کشورها را تحت الشعاع قرار داده است تا زمانی که اصلاحاتی در ساز و کار «تجارت آزاد» صورت نگیرد، همچنان با ما خواهد بود.

از سوی دیگر ما نیازمند به مقررات نظارتی برای رصد و اصلاح عملکرد شرکت های بزرگ در رابطه با بهره برداری از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست هستیم. برقرار کردن کنترل های لازم برای اصولی کردن جابجایی سرمایه های خارجی نیز از ملزومات کار است. دولت های مستقل برای دستیابی به هدف حمایت از اقتصاد داخلی و حفاظت از سرمایه های طبیعی خود می باید اقتدار سیاستگذاری خود را از شرکت های خارجی باز پس گیرند و در راستای

ایجاد الگویی جدید برای ساماندهی تجارت بین‌المللی و حکمرانی جهانی که از منافع همه کشورها حفاظت کند ابتکار عمل را به دست گیرند.

منابع:

1. Francis Fukuyama. 'The Fall of America Inc.', *Newsweek*, October 13, 2008.
2. Joseph Stiglitz. *Globalization and its Discontents*. London: Penguin Press, 2002, p. 220.
3. Paul Bairoch. *Economics and World History*. Chicago: University of Chicago Press, 1993.
4. John Gray. *False Dawn: The Delusions of Global Capitalism*. London: Granta Books, 1999.

* راس جکسون، دارای دکترای اقتصاد، به عنوان یکی از نوآوران جهان کسب و کار برای تحقق نظام اقتصادی برتر در جهان شناخته شده است. او مؤسس سازمانی غیر انتفاعی به نام گایا (زمین) در دانمارک است که از سال ۱۹۸۷ تا کنون از طرح‌های توسعه محلی که پیشرفت اقتصادی و معنوی را سرلوحه کار خود قرار داده اند حمایت کرده است. از دیگر دستاوردهای قابل ذکر وی، تأسیس «شبکه جهانی دهکده‌های سالم» است. با ایجاد این شبکه و ارائه خدمات آموزشی (موسوم به آموزش گایا) سازمان غیر انتفاعی گایا توانسته است از صدها جامعه محلی که در صدد ایجاد اقتصاد مقاومتی از طریق توسعه همه جانبه محلی برآمده اند حمایت کند. راس جکسون همچنین نویسنده کتاب «ساختن آینده ای از دهکده‌های سالم» است که در آن به تشریح سیر فکری خود در باور به توسعه همه جانبه در جوامع می‌پردازد. او معتقد است که توسعه واقعی جوامع بشری بدون در نظر گرفتن دیدگاهی توحیدی که همزمان ابعاد اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی، علمی و معنوی آن را در بر می‌گیرد قابل تصور نیست. اطلاعات بیشتر در مورد نظرات راس جکسون و شبکه جهانی دهکده‌های سالم را در آدرس‌های زیر بیابید:

درباره راس جکسون www.ross-jackson.com/rj/about

شبکه جهانی دهکده‌های سالم <http://gen.ecovillage.org/>

www.eabbassi.ir